

قصه‌گویی به‌عنوان راهبردی تربیتی: ارائه الگویی عملی برای مربیان و کتابداران تازه‌کار در محیط‌های آموزشی و کتابخانه‌ای

ندا سلیمی^۱

۱. کتابدار کتابخانه عمومی، فارغ‌التحصیل مدیریت اطلاعات از دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره هشتم، شماره سی‌ویک، پاییز ۱۴۰۵، صفحات ۱۶۰-۱۴۹

چکیده

قصه‌گویی به‌عنوان راهبردی تربیتی، در سال‌های اخیر موردتوجه پژوهش‌های حوزه علوم تربیتی قرار گرفته و به‌عنوان یکی از شیوه‌های مؤثر در فرایند یاددهی-یادگیری کودکان، در رشد شناختی، زبانی و عاطفی آنان و تقویت نگرش مثبت نسبت به کتاب و یادگیری نقش دارد. بااین‌حال، مربیان و کتابداران تازه‌کار در محیط‌های آموزشی و کتابخانه‌ای اغلب با فقدان الگویی عملی و منسجم برای اجرای قصه‌گویی کودک‌محور مواجه‌اند. هدف این پژوهش، ارائه الگویی عملی مبتنی بر اصول تربیتی برای قصه‌گویی کودک‌محور، ویژه مربیان و کتابداران تازه‌کار است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای انجام‌شده و در آن با بررسی و تحلیل منابع معتبر و کلیدی در حوزه‌های علوم تربیتی، روان‌شناسی کودک و علم اطلاعات، مؤلفه‌ها و اصول مؤثر در قصه‌گویی استخراج و در قالب الگویی ساختارمند ارائه‌شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که به‌کارگیری قصه‌گویی مبتنی بر شناخت نیازهای رشدی کودکان و بهره‌گیری آگاهانه از مهارت‌های روایی می‌تواند این شیوه را به راهبردی کارآمد در فرایند یاددهی-یادگیری، ترویج کتاب‌خوانی و تقویت تعامل میان مربیان، کتابداران و کودکان تبدیل کند.

واژگان کلیدی: قصه‌گویی کودک‌محور، مربیان تازه‌کار، کتابداران تازه‌کار، محیط‌های آموزشی و کتابخانه‌ای.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره هشتم، شماره سی‌ویک، پاییز ۱۴۰۵

مقدمه

قصه‌گویی یکی از کهن‌ترین شیوه‌های ارتباطی انسان برای انتقال تجربه مفاهیم فرهنگی و ایجاد سرگرمی بوده است. قصه‌ها بازتاب‌دهنده تفکر، احساسات، باورها، اخلاق، و سبک زندگی جوامع‌اند؛ و از این رو، ابزاری ارزشمند برای شناخت گذشته، درک حال، و تصور آینده است. روایت داستان‌ها، نه تنها زمینه‌ای برای سرگرمی فراهم می‌سازد، بلکه بستری غنی برای آموزش، شکل‌گیری هویت و ترویج ارزش‌های فرهنگی نیز به شمار می‌آید (صفری و صیادی زاده، ۱۳۹۷؛ کارزان و دمنجا، ۲۰۲۰).

در دنیای امروز، که کودکان بیش‌ازپیش در معرض رسانه‌ها و ابزارهای دیجیتال قرار دارند، نیاز به شیوه‌هایی خلاقانه و مؤثر برای جذب آن‌ها به کتاب و مطالعه، بیش از گذشته احساس می‌شود. از سوی دیگر، تغییر سبک زندگی از حالت سنتی به زندگی آپارتمان‌نشینی، کاهش روابط اجتماعی طبیعی میان کودکان، اشتغال والدین و کمبود فرصت گفت‌وگو با فرزندان همگی سبب شده‌اند که کودکان فاصله بیشتری از تعاملات انسانی و یادگیری غیرمستقیم بگیرند. در چنین شرایطی، نهادهای فرهنگی و آموزشی می‌توانند با بهره‌گیری از روش‌هایی جذاب همچون قصه‌گویی، زمینه‌ای مناسبی برای رشد فکری و عاطفی کودکان فراهم کنند. این فضاها نه تنها به کودکان فرصت می‌دهند تا از دنیای داستان‌ها لذت ببرند، بلکه به تقویت مهارت‌های زبانی، افزایش قدرت تخیل و توسعه اجتماعی آنان نیز کمک می‌کنند. مربیان و کتابداران در این میان، با طراحی محیط‌های تعاملی و اجرای برنامه‌های متناسب با نیازهای کودکان، می‌توانند آنان را به دنیای کتاب و قصه علاقه‌مند سازند (اربابی و باهورزمی، ۱۴۰۳).

با توجه به ناآشنایی بسیاری از افراد با ظرفیت‌های ویژه قصه‌ها، مقالیه حاضر می‌کوشد با روش کتابخانه‌ای و بر پایه منابع معتبر، ضمن تبیین ارزش قصه‌ها در پرورش روان و شخصیت کودکان، الگویی عملی از اصول و فنون قصه‌گویی برای مربیان و کتابداران تازه‌کار ارائه دهد و نقش آن‌ها را در اجرای برنامه‌های قصه‌گویی بررسی کند. در نهایت، این پژوهش تلاش می‌کند با رویکردی کاربردی، راهکارهایی مؤثر برای توانمندسازی مربیان و کتابداران در تعامل با کودکان از طریق قصه‌گویی پیشنهاد کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای انجام شد. در این پژوهش، منابع معتبر و کلیدی حوزه‌های علوم تربیتی، روان‌شناسی کودک و علم اطلاعات جمع‌آوری و تحلیل شدند تا مؤلفه‌ها و اصول مؤثر در قصه‌گویی کودک محور استخراج شود. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوا بررسی شدند و یافته‌ها در قالب الگویی عملی و ساختارمند برای مربیان و کتابداران تازه‌کار در محیط‌های آموزشی و کتابخانه‌ای ارائه گردید. دامنه پژوهش محدود به برنامه‌های قصه‌گویی کودک محور در کتابخانه‌ها و محیط‌های آموزشی بود، به گونه‌ای که کاربرد عملی الگو برای مخاطبان هدف به وضوح قابل مشاهده باشد.

تعریف قصه‌گویی

قصه‌گویی هنری زنده، پویا و تعاملی است که ریشه در سنت‌های شفاهی و فرهنگی جوامع دارد. این هنر کهن، بازتاب‌دهنده، درد دل‌ها، باورها، آرزوها و تجربه‌های نسل‌های پیشین است که سینه به سینه منتقل شده و همچنان نقش مهمی در شناخت کودکان از جهان پیرامون ایفا می‌کند (صیادی و صفری، ۱۳۹۷).

قصه‌گویی به معنای روایت شفاهی یک قصه از حفظ، و بدون استفاده از کتاب است. برخلاف خواندن یک متن مکتوب، قصه‌گویی برحافظه، خلاقیت و توانمندی قصه‌گو در به‌کارگیری صدا، حرکت، زبان بدن، ارتباط چشمی و احساسات تکیه دارد. این ویژگی‌ها، قصه را از یک روایت خشک و بیجان، به تجربه‌ای زنده، مشارکتی و تأثیرگذار تبدیل می‌کنند که تخیل مخاطب را برمی‌انگیزد، پیام‌ها را عمیق‌تر منتقل می‌کند و ارتباطی دوسویه میان قصه‌گو و شنوندگان ایجاد می‌نماید (باقریان، زارع و جعفری، ۱۴۰۰؛ قزل ایاق، ۱۳۸۳؛ اربابی و باهورزمی، ۱۴۰۳). برخی از قصه‌گوها قصه یا داستان خود را کلمه به کلمه حفظ می‌کنند،

درحالی‌که برخی دیگر شخصیت‌ها و رویدادها را به خاطر می‌سپارند و هر بار قصه را به شیوه‌ای متفاوت و آزادانه بازگو می‌کنند (آگوستو، ۲۰۱۶).

به تعبیر بارتلت (۲۰۱۱)، قصه‌گویی ابزاری نیرومند برای ایجاد همدلی، درک متقابل و ارتباط انسانی است، انسان‌ها از طریق داستان‌ها به یکدیگر نزدیک می‌شوند، احساسات مشترک را تجربه می‌کنند و شناخت عمیق‌تر از خود و دیگران به دست می‌آورند. مربیان و کتابداران، به‌ویژه در مراکز فرهنگی و آموزشی همچون کتابخانه‌ها، در این فرایند نقشی اساسی بر عهده‌دارند؛ چراکه با انتخاب داستان‌هایی متناسب با نیازها و علایق کودکان، زمینه‌ای برای رشد عاطفی، شناختی و اجتماعی آنان فراهم می‌سازند، درواقع قصه‌گو تنها راوی یک داستان نیست، بلکه واسطه‌ای برای پیوند دادن کودکان با جهان معنا است.

قصه‌گویی یا قصه‌خوانی؟ انتخاب آگاهانه برای مربیان و کتابداران

قصه‌گویی و قصه‌خوانی دو شیوه‌ی متفاوت‌اند که هر یک کارکردها و ارزش‌های خاص خود را دارند. قصه‌گویی روایتی زنده و تعاملی است که بیشتر بر حافظه و توانمندی‌های قصه‌گو تکیه دارد. قصه‌گو با بهره‌گیری از لحن، زبان بدن، نگاه و بیان خود، جهانی خیالی را در ذهن شنونده می‌آفریند و کودک را به تجربه‌ای عمیق و عاطفی از قصه دعوت می‌کند. در مقابل، قصه‌خوانی مبتنی بر متن مکتوب است و بیشتر برای آشنا کردن کودکان با واژه‌ها، ساختار زبان و لذت کتاب خواندن به کار می‌رود. در این شیوه، قصه‌گو متن را از روی کتاب می‌خواند و همین امر فرصتی فراهم می‌آورد تا کودک با زبان ادبی، اصوات مختلف، ساختار نوشتاری و زیبایی‌های زبانی آشنا شود (باقریان، زارع و جعفری، ۱۴۰۰).

در عمل، مربیان و کتابداران بهتر است با توجه به هدف برنامه‌ی فرهنگی یا آموزشی کتابخانه از هر دو روش به‌طور آگاهانه استفاده کنند. گاهی قصه‌گویی می‌تواند تخیل را پرورش دهد، یا ارتباط عاطفی و تعامل زنده با کودکان ایجاد کند؛ و در موارد دیگر، قصه‌خوانی از روی کتاب تجربه‌ای ارزشمند برای تقویت سواد خواندن و علاقه‌مندی به مطالعه فراهم می‌سازد؛ بنابراین، انتخاب درست میان قصه‌گویی و قصه‌خوانی، بخشی مهم از مهارت‌های کلیدی در جذب کودکان و هدایت آن‌ها به‌سوی کتاب و مطالعه است (قزلباق، ۱۳۸۳؛ زاپیس، ۱۳۸۰).

مراحل قصه‌گویی

زمینه‌چینی: معمولاً آغاز داستان به زمینه‌چینی اختصاص دارد برای مثال محل وقوع، شخصیت‌های درگیر در ماجرا، زمان و غیره را نشان می‌دهد. در زمینه‌چینی محیط تقریباً عادی است و آرامش حکم‌فرماست.

بروز بحران: نقطه شروع داستان است، اگر قرار است داستان پیروزمندانه باشد، باید بحرانی که به وجود آمده، برطرف شود و ادامه داستان کوششی برای برطرف کردن بحران است.

اوج‌گیری: تلاش قهرمان داستان برای برطرف کردن بحران یا اصلاح اشتباه است، از نظر زمانی هم نقطه شروع تا رسیدن به نقطه اوج بیشترین وقت قصه‌گویی را به خود اختصاص می‌دهد.

نقطه اوج یا گره گشایی: حساس‌ترین بخش داستان است نقطه‌ای که بحران در آن برطرف می‌شود و یا اشتباه اصلاح می‌شود و شنونده دوباره به آرامش می‌رسد.

فرود و نتیجه‌گیری: این قسمت معمولاً بسیار سریع اتفاق می‌افتد و به‌گونه‌ای است که دوباره شخصیت‌ها به دنیای آرام خود بازمی‌گردند (چمبرز، ۱۳۸۵).

تفاوت قصه و داستان

اگرچه قصه و داستان هر دو گونه‌ای از روایت هستند و به نقل رویدادها می‌پردازند، اما در ساختار، خاستگاه و شیوه ارائه تفاوت‌های بنیادینی دارند، نخستین تفاوت در خاستگاه آن‌هاست؛ قصه محصول ذهن جمعی و حاصل انتقال شفاهی نسل به نسل است و خالق مشخصی ندارد، در حالی که داستان اثری مکتوب و حاصل ذهن خلاق یک فرد است که معمولاً می‌توان سبک و شیوه او را در متن بازشناخت.

زبان قصه عمدتاً شفاهی و گفتاری است و به همین دلیل ساده، روان و درعین‌حال تأثیرگذار روایت می‌شود، در مقابل، داستان با زبان نوشتاری و آمیخته با ملاحظات زیبایی‌شناسی ادبی نگاشته می‌شود.

در سطح ساختار روایی نیز تفاوت مهمی میان این دو وجود دارد؛ در قصه، حوادث گاه به‌صورت زنجیره‌ای و بدون روابط علی مشخص پشت سر هم می‌آیند، اما در داستان، میان رویدادها رابطه علت و معلولی برقرار است که انسجام و منطق روایت را شکل می‌دهد.

قهرمانان در قصه‌های کهن معمولاً تیپ‌هایی کلیشه‌ای و آرمانی هستند که صف‌بندی روشنی میان خیر و شر را بازنمایی می‌کنند، حال‌آنکه در داستان، شخصیت‌ها غالباً دارای فردیت، پیچیدگی روانی و تحول درونی‌اند.

ساختمان ادبی قصه ساده است و معمولاً بر چهارچوبی کلی استوار است که راوی ممکن است در حین روایت، جزئیاتی به آن بیفزاید، اما داستان با جزئیات دقیق‌تر و پردرخت‌های روایی پیچیده‌تری همراه است.

تفاوت دیگر در زمان و مکان است. قصه‌ها معمولاً در فضایی نامشخص و کلی روایت می‌شوند؛ مانند آغاز مشهورشان «یکی بود یکی نبود»، در حالی که در داستان‌های امروزی حتی در ژانرهای فانتزی یا سوررئال، می‌توان نشانه‌هایی از زمان و مکان مشخص یافت.

همچنین می‌توان گفت که قصه‌ها معمولاً هدف‌هایی فرهنگی، اخلاقی و آموزشی دارند که به‌ویژه در جوامع سنتی برای تربیت و انتقال ارزش‌ها به نسل‌های بعدی کاربرد دارند، در حالیکه داستان‌ها می‌توانند بیشتر دغدغه‌های فردی، روان‌شناختی یا اجتماعی نویسنده را منعکس کنند و پیچیدگی‌های درون مایه‌ای بیشتری داشته باشند.

علاوه بر این، تفاوتی دیگر در نقش مخاطب نیز وجود دارد؛ در قصه‌گویی، مخاطب اغلب شنونده‌ای فعال است که با گوینده در ارتباط است و در جریان روایت مشارکت می‌کند، در حالیکه در داستان خوانی، مخاطب بیشتر به‌عنوان یک خواننده منفعل وارد متن می‌شود و از آن جداست.

روشن است که شناخت تفاوت میان قصه و داستان، به انتخاب بهتر قصه‌ها و شیوه روایت آن‌ها در برنامه‌های کتابخانه‌ای و فرهنگی ویژه کودکان کمک خواهد کرد (فزلی‌ایق، ۱۳).

اهمیت و کارکردهای قصه‌گویی

قصه‌گویی هنری کهن و ریشه‌دار در سنت‌های شفاهی و فرهنگی جوامع است که از گذشته‌های دور نقشی اساسی در انتقال دانش، ارزش‌ها، تجربه‌ها و باورهای نسل‌ها ایفا کرده است، این هنر نه‌تنها ابزاری برای سرگرمی کودکان است، بلکه ظرفیتی چندلایه برای رشد فردی، و اجتماعی آنان دارد. درواقع قصه‌گویی همچون درختی غول‌پیکر است که ریشه‌هایش در اعماق تاریخ و فرهنگ استوار شده و هرروز با واژه‌های مغذی راویان پرورش می‌یابد. این درخت تنومند، در میان جنگل فناوری‌های نوین نیز پابرجا ایستاده و همچنان حیات‌بخش ذهن و جان مخاطبان است (پاتریس مونته‌رو، ۱۴۰۱).

از منظر آموزشی و شناختی، قصه‌گویی به شکل زنده و تعاملی، مهارت‌هایی چون تجسم ذهنی، تفکر انتقادی، توالی درک پدیده‌ها را در کودکان تقویت می‌کند (آگوستو، ۲۰۱۶)؛ که یکی از مهم‌ترین نتایج آن افزایش دقت و تمرکز کودکان است برای دنبال کردن یک روایت، کودک ناگزیر به شنیدن فعال و تمرکز مستمر است که این تمرین ذهنی، توجه و حافظه شنیداری او را تقویت می‌کند. در همین حال، قوه تخیل کودک نیز پرورش می‌یابد؛ چراکه در حین شنیدن قصه، با بازسازی تصاویر ذهنی، خود را جای یکی از شخصیت‌ها تصور کرده و با او همذات پنداری می‌کند. قصه‌گویی به شکل مؤثری در رشد زبانی نیز نقش دارد، کودک در معرض واژگان متنوع، ساختارهای جمله‌ای و اصطلاحات فرهنگی قرار می‌گیرد و این مواجهه باعث گسترش خزانه لغات و ارتقاء قدرت بیان او می‌شود همچنین قصه به‌عنوان پلی میان زبان گفتاری و نوشتاری عمل کرده و با آماده‌سازی ذهن کودک، درک متون مکتوب را برای او آسان‌تر می‌کند به‌این‌ترتیب، قصه‌گویی نه‌تنها تجربه‌ای شنیداری و زبانی است، بلکه پایه‌ای برای رشد سواد ابتدایی، افزایش آگاهی و علاقه‌مندی به خواندن در سال‌های بعد به شمار می‌آید (اربابی و باهورزهی، ۱۴۰۳).

از منظر هیجانی و روان‌شناختی، قصه‌گویی موجب ایجاد همدلی، تقویت خودتنظیمی هیجانی و کاهش اضطراب در کودکان می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که قصه به‌عنوان «تلقین شفابخش» می‌تواند باعث افزایش حس نوع‌دوستی و کاهش ترس و نگرانی‌های کودکان گردد (باقریان، زارع و گلمحمدیان، ۱۳۹۹؛ دیامانت کوهن و یزدیان، ۲۰۲۱)؛ همچنین این فرآیند به رشد اعتمادبه‌نفس و سلامت روانی کودک، کمک شایانی می‌کند (احمدآبادی، ۱۳۹۹). تجربه‌های تاریخی گواه بر این مدعاست که قصه‌گویی می‌تواند در شرایط سخت و بحرانی به‌مثابه ابزاری برای بقا عمل کند؛ چنانکه در اردوگاه‌های نازی، روایت قصه‌ها به زندانیان کمک می‌کرد تا امید خود را حفظ کنند، از فروپاشی روانی جلوگیری نمایند و با پناه بردن به جهان تخیل، از افکار خودکشی و پرتاب کردن خود بر حصارهای برقی بازایستند و توان ادامه‌ی زندگی را بیابند (مونه رو، ۱۴۰۱).

از نظر تربیتی و اجتماعی، قصه‌ها بستری برای تعامل و ارتباط انسانی فراهم می‌کنند، کودکان از طریق قصه با ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌های زندگی اجتماعی آشنا می‌شوند و پیوند عمیق‌تری با دیگران برقرار می‌کنند (باقریان، زارع و جعفری، ۱۴۰۰)؛ بدین ترتیب، قصه‌گو تنها راوی یک داستان نیست، بلکه واسطه‌ای برای پیوند دادن کودکان با جهان معنا و فراهم کردن زمینه رشد اجتماعی و اخلاقی آنان است.

قصه‌گویی همچنین کارکردهای فرهنگی و هویتی دارد. روایت‌ها می‌توانند میراث فرهنگی و محلی را زنده نگه‌دارند و حس تعلق به جامعه را در کودکان تقویت کنند. حتی در حوزه‌های فراتر، قصه‌گویی خلاقانه می‌تواند در توسعه گردشگری و پایداری فرهنگی جوامع مؤثر باشد (کارزان و دمنجا، ۲۰۲۰).

به‌طورکلی، قصه‌گویی در کتابخانه‌ها فراتر از یک فعالیت فرهنگی ساده است؛ این فرایند بستری برای رشد زبانی، شناختی، هیجانی و اجتماعی کودکان فراهم می‌آورد و آنان را به کتاب و مطالعه نزدیک‌تر می‌سازد. اگر مربیان و کتابداران با آگاهی و مهارت از این ظرفیت بهره بگیرند، قصه‌گویی می‌تواند به ابزاری مؤثر برای ترویج کتاب‌خوانی، تقویت ارزش‌های انسانی و تربیت نسلی آگاه، خلاق و همدل تبدیل شود.

یافته‌ها

بر اساس تحلیل محتوای منابع علمی حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی کودک و علم اطلاعات، مجموعه‌ای از اصول و فنون قصه‌گویی کودک‌محور استخراج و در چند محور اصلی دسته‌بندی شد. این اصول به‌عنوان یافته‌های پژوهش حاضر، چارچوبی عملی برای اجرای برنامه‌های قصه‌گویی در محیط‌های آموزشی و کتابخانه‌ای فراهم می‌کنند.

اصول و فنون عملی قصه‌گویی کودک محور برای مربیان و کتابداران

قصه‌گویی تنها روایت ساده یک قصه یا داستان نیست، بلکه که چنان چه اشاره شد، هنری است که نیازمند آگاهی، خلاقیت و مهارت‌های خاصی از سوی قصه‌گو است. برای اینکه قصه‌گویی به تجربه‌ای مؤثر، به یادماندنی و تأثیرگذار برای کودکان تبدیل شود، لازم است که قصه‌گو با اصول و فنون قصه‌گویی آشنا باشد. در ادامه، به مهم‌ترین نکات کاربردی در این زمینه اشاره می‌شود:

انتخاب قصه مناسب

انتخاب قصه مناسب، از مهم‌ترین گام‌های قصه‌گویی موفق است؛ در انتخاب قصه باید به دو عامل کلیدی توجه داشت:

۱. شناخت هدف قصه‌گویی: قصه‌گویی باید باهدف مشخص انجام شود؛ خواه آموزش یک مفهوم باشد یا تقویت مهارت شنیداری، سرگرمی یا تحریک تخیل کودک. در انتخاب قصه لازم است به تنوع گونه‌های داستانی، از جمله افسانه، علمی-تخیلی، طنز، دینی، تاریخی و... توجه شود تا سلايق و علايق مختلف کودکان پوشش داده شود. معمولاً قصه‌های قومی (فولکلور)، یعنی قصه‌های سنتی و عامیانه که نسل‌ها منتقل شده‌اند) با ساختار ساده و قابل فهم برای کودکان، بهترین انتخاب هستند، چراکه دارای ساختار مشخص و مناسب برای بازآفرینی شفاهی‌اند. هرچند گونه‌های دیگر مانند علمی-تخیلی، طنز، دینی و تاریخی نیز بسته به گروه سنی و شرایط مناسب می‌توانند استفاده شوند (اربابی و باهورزمی، ۱۴۰۳).

قصه‌های ارائه شده در کتابخانه می‌توانند پرهیجان، ماجراجویانه و تحریک‌کننده کنجکاوی کودکان باشند (قرل‌ایاق، ۱۳۸۳). در نهایت این‌که قصه‌ها باید حاوی پیام‌های اخلاقی و آموزنده باشند تا به کودکان در درک ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی کمک کنند (اربابی و باهورزمی، ۱۴۰۳).

۲. شناخت مخاطب و ویژگی‌های آنان: شناخت مخاطب به قصه‌گو کمک می‌کند تا پیام خود را بهتر منتقل کرده و ارتباط مؤثرتری برقرار کند. قصه باید با سن، سطح زبانی، علايق و نیازهای عاطفی و روانی کودکان هماهنگ باشد و از مفاهیم پیچیده، خشن یا نامناسب برای گروه سنی او پرهیز کند. قصه‌ای که برای خردسالان جذاب و شنیدنی است، ممکن است برای کودکان بزرگ‌تر ساده و کسالت‌بار جلوه کند؛ بنابراین کتابدار هنگام انتخاب قصه باید به عواملی چون سادگی زبان، طول داستان، فضای عاطفی و پیام‌های پنهان آن توجه کند و بر اساس گروه سنی مخاطبان، انتخاب آگاهانه‌ای داشته باشد (قرل‌ایاق، ۱۳۸۳؛ اربابی و باهورزمی، ۱۴۰۳). به‌طور کلی دسته‌بندی قصه‌ها بر اساس گروه‌های سنی می‌تواند راهنمای عملی ارزشمندی برای کتابداران و قصه‌گویان باشد (مونه‌رو، ۱۴۰۱؛ قرل‌ایاق، ۱۳۸۳).

تولد تا ۳ سالگی: آوازاها، لالایی‌ها و روایت‌های ساده از آلبوم‌های خانوادگی که پیوند عاطفی با کودک برقرار می‌کنند.

۴ تا ۶ سالگی: قصه‌های متراکم با تکرار و بازگویی رویدادها، اشعار کوتاه با قافیه‌های ساده و ساختار زبانی روان.

۷ تا ۱۱ سالگی: قصه‌های بلندتر با چندین شخصیت اصلی، رویدادهای متنوع و مکان‌های متفاوت که تخیل کودک را گسترش می‌دهند.

۱۲ تا ۱۴ سالگی: داستان‌های رمزآلود، ترسناک و واقع‌گرا که با نیازهای هیجانی و کنجکاوی نوجوانان هماهنگ‌اند.

۱۵ سالگی تا بزرگسالی: طیف متنوعی از انواع قصه، از جمله داستان‌های عامیانه، افسانه‌های بلند، قصه‌های ترسناک، طنز، عاشقانه و واقع‌گرا (مونه‌رو، ۱۴۰۱).

هرچند قصه‌گویی از بدو تولد تا بزرگسالی اهمیت دارد، اما در فضای کتابخانه معمولاً گروه هدف اصلی قصه‌گویی، کودکان ۴ سال به بالا هستند؛ زیرا کودکان خردسال‌تر توانایی لازم برای نشستن در جمع و پیگیری یک روایت گروهی را ندارند و از این سن توانایی تمرکز، نشستن در جمع و مشارکت در فعالیت‌های گروهی به‌تدریج تقویت می‌شود.

آمادگی و تسلط بر اجرا

قصه‌گویی موفق نیازمند آمادگی قبلی و تسلط بر روایت است. قصه‌گو لازم است داستان را چندین بار مرور کرده، ساختار آن را به‌خوبی بشناسد و لحظات کلیدی همچون گره‌افکنی، اوج و پایان را از پیش مشخص کند.

تمرین پیش از اجرا، تعیین نکات برجسته و در صورت لزوم استفاده از یادداشت‌های کوتاه، به قصه‌گو کمک می‌کند تا در هنگام اجرا، روان، منعطف و مسلط عمل کند.

افزون بر این، قصه‌گو باید آمادگی لازم را داشته باشد تا متناسب با شرایط گروه و واکنش کودکان، تغییرات جزئی و هدفمندی در روایت ایجاد کرده و اجرای خود را با فضای جلسه هماهنگ سازد (باقریان، جعفری و زارع، ۱۴۰۰).

مهارت‌های بیانی و بدنی

قصه‌گویی تنها خواندن یک متن نیست؛ بلکه هنر زنده کردن شخصیت‌ها و فضای داستان است. قصه‌گو باید از تنوع لحن صدا، مکث‌های مناسب، نگاه مستقیم به مخاطب، تغییر حالت چهره و حرکات بدنی به‌خوبی بهره بگیرد تا روایتش جان بگیرد و مخاطب را درگیر کند (قرل‌ایاق، ۱۳۸۳، زاپیس، ۱۳۸۰).

هماهنگی میان کلام و حرکت، یکی از رموز قصه‌گویی موفق است. قصه‌گو باید بااحساس و باور قلبی داستان را روایت کند تا قصه بر دل مخاطب بنشیند و ارتباطی عمیق و به‌یادماندنی با کودکان ایجاد شود.

تعامل با کودکان

با مخاطبان خود صادق باشید، اگر دوست دارید، بخندید، و اگر لازم است، گریه کنید، اگر فراموش کردید کجای قصه هستید از آنان پرسید، هیچ‌کس انتظار ندارد قصه‌گو مثل یک بازیگر مشهور جهانی باشد، مخاطبان آمده‌اند که شمارا ببینند و قصه شمارا بشنوند، با همه نقص‌هایی که شمارا می‌سازد و نه کسی دیگر (مونتو، ۱۴۰۱).

قصه‌گو در فرایند قصه‌گویی باید توجه داشته باشد که همه‌ی کودکان نیازمند دریافت سهمی برابر از توجه و تعامل‌اند. نادیده گرفتن ناخواسته‌ی برخی کودکان می‌تواند پیامدهایی همچون احساس طردشدگی و کاهش مشارکت فعال آنان را در پی داشته باشد؛ ازاین‌رو، قصه‌گو لازم است با مدیریت آگاهانه‌ی نگاه، صدا و رفتار خود، فرصت مشارکت را به‌صورت عادلانه میان کودکان فراهم سازد.

در طول قصه‌گویی، قصه‌گو می‌تواند با پرسیدن سؤال‌های ساده، دعوت به حدس زدن ادامه داستان، تقلید صداها یا تشویق کودکان به تکرار بخشی از قصه، استفاده از بازی‌های ساده و فعالیت‌های تکمیلی همچون نقاشی شخصیت‌های قصه، کاردستی، شعرخوانی، معماها و چیستان‌ها، اجرای نمایش و... آن‌ها را به‌طور فعال در روایت درگیر کند (اربابی و باهورزی، ۱۴۰۳، زاپیس، ۱۳۸۰).

تنوع در شیوه اجرا و استفاده از ابزارهای کمک‌آموزشی

قصه‌ها می‌توانند به صورت شعر یا نثر، همراه با ترانه، گفتگو، آواز، موسیقی، تصویر یا حتی ابزارهای کمک‌آموزشی مانند عروسک، ماکت، تصویر و صداهای ضبط‌شده اجرا شوند، استفاده از منابع شفاهی، چاپی یا ضبط‌شده نیز امکان‌پذیر است (شمالی احمدآبادی و همکاران، ۱۳۹۸).

تنوع در شیوه اجرا، فضای قصه‌گویی را از حالت یکنواخت خارج کرده و به آن جان تازه‌ای می‌بخشد، استفاده از ابزارهای کمک‌آموزشی مانند عروسک، تصویر، ماکت، نورپردازی ساده یا جلوه‌های صوتی و تصویری، تخیل کودکان را تقویت کرده و تجربه‌ی قصه را برای آن‌ها عمیق‌تر، جذاب‌تر و ملموس‌تر می‌کند، ابزارهای مناسب می‌توانند به قصه‌گو در ایجاد ارتباط مؤثرتر با کودکان کمک کنند و فضای داستان را برای آن‌ها زنده‌تر بسازند (اربابی و باهورزی، ۱۴۰۳).

فضاسازی و آماده‌سازی محیط

ایجاد فضای مناسب برای قصه‌گویی، از نورپردازی ملایم و صدای محیط گرفته تا چیدمان صندلی‌ها به شکل دایره یا نیم‌دایره، یکی از نکات کلیدی در اجرای مؤثر برنامه‌های قصه‌گویی است، فضایی آرام، صمیمی و بدون عوامل مزاحم، باعث می‌شود کودکان احساس امنیت بیشتری کنند، راحت‌تر تمرکز کنند و بهتر با قصه و قصه‌گو ارتباط برقرار نمایند (اربابی و باهورزی، ۱۴۰۳).

مدیریت زمان و برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی مناسب برای قصه‌گویی، نقش مهمی در موفقیت جلسه دارد. قصه‌گو باید متناسب با زمان اختصاص‌یافته، قصه‌ای با طول مناسب انتخاب کند و زمان لازم برای مقدمه، روایت قصه، مشارکت کودکان و جمع‌بندی پایانی را در نظر بگیرد. یک جلسه مؤثر قصه‌گویی معمولاً بین یک و نیم تا دو ساعت طول می‌کشد که شامل معرفی، اجرای قصه، گفت‌وگو با کودکان و گاهی اجرای فعالیت‌های مکمل است (زاپیس، ۱۳۸۰).

البته برای کودکان خردسال که دامنه توجه کوتاه‌تری دارند، ضروری است که مدت قصه و فعالیت‌های همراه کوتاه‌تر و متناسب با توان آن‌ها تنظیم شود (قرنل ایاق، ۱۳۸۳).

مدیریت صحیح زمان باعث می‌شود روایت قصه شتاب‌زده یا طولانی و خسته‌کننده نباشد و کودکان تا پایان برنامه با اشتیاق همراهی کنند.

ارائه بازخورد

در ارائه بازخورد به کودکان در برنامه‌های قصه‌گویی، دو اصل مهم باید مدنظر قرار گیرد؛ نخست، تشویق و قدردانی از کودکان به خاطر مشارکت فعال آنان، که انگیزه و اعتمادبه‌نفس آن‌ها را تقویت می‌کند، دوم، ارائه بازخورد سازنده در مورد نحوه مشارکت، به گونه‌ای که به کودکان کمک کند عملکرد خود را بهبود بخشند و مهارت‌های قصه‌گویی و تعامل اجتماعی‌شان ارتقا یابد (اربابی و باهورزی، ۱۴۰۳).

ویژگی‌های قصه‌گوی حرفه‌ای در قصه‌گویی کودک محور

یک قصه‌گوی خوب پیش از هر چیز باید بتواند ارتباطی عاطفی و مؤثر با کودکان برقرار کند، نخستین برخورد اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا زمینه‌ساز ایجاد حس اعتماد، صمیمیت و مشارکت فعال در طول جلسه خواهد بود. قصه‌گو باید فضایی گرم و دوستانه

ایجاد کند تا کودکان با احساس امنیت، نظرات و احساسات خود را بیان کنند و در روند قصه‌گویی فعالانه شرکت نمایند (زاپیس، ۱۳۸۰).

کلمات را مزه کنید: وقتی قصه می‌گویید خیلی تند صحبت نکنید، از زمان بهره ببرید، واژه‌ها را به‌روشنی تلفظ کنید، بگذارید شنوندگان از کلمات شما لذت ببرند و به آن‌ها زمان بدهید تا هر چه را که در داستان رخ می‌دهد، مشاهده کنند (مونته رو، ۱۴۰۱). قصه‌گوی موفق باید در استفاده از صدا، لحن، حرکات بدنی و ارتباط چشمی هم مهارت داشته باشد، تغییر تن صدا برای شخصیت‌های مختلف، نمایش احساسات از طریق چهره و بدن، و استفاده خلاقانه از وسایل ساده کمکی، باعث می‌شود داستان‌ها زنده‌تر و تأثیرگذارتر روایت شوند، علاوه بر این، قصه‌گو باید قصه‌هایی انتخاب کند که با شخصیت، توانایی‌ها و سبک اجرایی او هماهنگ باشد، تا اجرای او طبیعی، باورپذیر و اثرگذار جلوه کند (زاپیس، ۱۳۸۰).

پرهیز از اغراق‌های نمایشی و شگردهای تئاتری تصنعی از دیگر ویژگی‌های یک قصه‌گوی حرفه‌ای است. قصه‌گوی خوب به‌جای تکیه بر تکنیک‌های ساختگی، از تخیل، صدای طبیعی و ارتباط انسانی خود بهره می‌گیرد تا قصه را در دل شنوندگان زنده کند (قزل ایاق، ۱۳۸۳).

اگر داستانی را دوست ندارید، تعریفش نکنید! تحت تأثیر اسم نویسنده نباشید، اگر قصه یا داستان به‌قدر کافی شما را به شوق نمی‌آورد، به‌سختی می‌توانید حسی را به دیگران منتقل کنید، دنبال قصه، داستان، افسانه یا حکایت دیگری باشید (مونته رو، ۱۴۰۱).

داشتن آرشیوی منظم از قصه‌ها، شامل اطلاعاتی مانند موضوع، گروه سنی مناسب، نکات کلیدی و پیام‌های قصه، از دیگر ویژگی‌های قصه‌گوهای حرفه‌ای است، این امر به قصه‌گو کمک می‌کند تا برای جلسات مختلف با آمادگی و اطمینان بیشتری ظاهر شود (قزل ایاق، ۱۳۸۳).

درنهایت، قصه‌گو باید به اهمیت آغاز قوی و پایان روشن آگاه باشد:

آغاز قوی: در آغاز قصه، لازم است توجه کودکان جلب شود. یک آغاز خوب باید شنوندگان را به دام اندازد و وادارشان کند تا بقیه قصه یا داستان را گوش کنند. این کار می‌تواند با استفاده از صداهای جذاب، تغییر لحن، یا مطرح کردن یک سؤال جالب صورت گیرد تا ذهن کودکان را فعال کند، معمولاً قصه‌های عجیب که برای یک شخص خاص در یک مکان خاص و در یک‌زمان مشخص اتفاق می‌افتد، بسیار موردپسند و خوشایند است.

پایان روشن: پایان‌های قابل پیش‌بینی کسل‌کننده هستند، و شنونده را مأیوس می‌کند. پایان قصه باید رضایت‌بخش باشد و پیام یا درس قصه به شکلی روشن و مؤثر به کودکان منتقل شود، تا آنان حس خوشایند و مثبتی نسبت به داستان و تجربه شنیداری خود داشته باشند، قصه‌های سنتی و حکایت‌های افسانه‌ای پایان‌هایی دارند که پیش شناخته‌شده‌اند، ولی لذت این قصه‌ها نه در پایان بلکه در هنر و ظرافتی است که با روایت آن به کار می‌رود و نیز جزییاتی که به قصه قوت می‌دهند (مونته رو، ۱۴۰۱؛ حریری و پاگردکار، ۱۳۹۵).

چالش‌ها و راهکارهای قصه‌گویی کودک محور در کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی و آموزشی

تحلیل منابع نشان داد که اجرای قصه‌گویی در مراکز فرهنگی و کتابخانه‌ها با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری، مهارتی و فرهنگی مواجه است که در ادامه به همراه راهکارهای پیشنهادی ارائه می‌شود:

۱. کمبود منابع و فضا

یکی از چالش‌های مهم در برخی کتابخانه‌ها کمبود فضای مناسب و کتاب‌های داستانی متنوع برای کودکان در گروه‌های سنی و موضوعات مختلف است.

راهکار:

در چنین شرایطی، می‌توان از فضاهای چندمنظوره کتابخانه، اتاق‌های مطالعه یا حتی حیاط کتابخانه استفاده کرد، همچنین همکاری با مدارس، فرهنگسراها یا مراکز اجتماعی نزدیک می‌تواند به تأمین فضا و امکانات کمک کند، در زمینه منابع نیز، پیشنهاد می‌شود کتابخانه‌ها به تدریج مجموعه‌ای متنوع از کتاب‌های داستانی به تفکیک موضوعی و متناسب با نیازهای آموزشی و تربیتی فراهم کنند، در این میان، حمایت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور نقش کلیدی دارد؛ چراکه لازم است این نهاد با تأمین کتاب‌های متنوع در حوزه‌های گوناگون کتابخانه‌ها را پشتیبانی کند. علاوه بر این، استفاده از ظرفیت همکاری با ناشران، خیرین فرهنگی و طرح‌های اهدای کتاب نیز می‌تواند در غنی‌تر شدن منابع نقش بسزایی داشته باشد.

۲. چالش‌های زمانی

در شرایطی که وقت کتابداران محدود است، پیدا کردن زمان مناسب برای برگزاری جلسات قصه‌گویی دشوار می‌شود.

راهکار:

برنامه‌ریزی از پیش و اختصاص زمانی مشخص در طول هفته مثلاً یک روز خاص برای قصه‌گویی، می‌تواند این مشکل را کاهش دهد، حتی جلسات کوتاه ۲۰ تا ۳۰ دقیقه‌ای نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد.

۳. تفاوت‌های فرهنگی و زبانی

در کتابخانه‌هایی که مخاطبان از فرهنگ‌ها یا زبان‌های مختلف هستند، ممکن است انتخاب قصه مناسب دشوار شود یا درک قصه توسط کودکان چالش‌برانگیز باشد.

راهکار:

انتخاب قصه‌هایی با مضامین جهانی مثل دوستی، مهربانی، شجاعت و یا استفاده از قصه‌های چندزبانه و نمادین می‌تواند به جذب همه کودکان کمک کند قصه‌گویی با استفاده از تصویرسازی بیشتر نیز در کاهش موانع زبانی مؤثر است.

۴. موانع روان‌شناختی کودکان

برخی از کودکان ممکن است در ابتدا از حضور در جمع یا شرکت در فعالیت‌های گروهی احساس اضطراب یا ترس داشته باشند.

راهکار:

قصه‌گو می‌تواند با شروع برنامه با فعالیت‌های ساده، دعوت به گفتگوهای کوتاه، ایجاد فضای صمیمی و بدون فشار و تشویق‌های کوچک، به تدریج اعتماد و آرامش را در کودکان ایجاد کند.

۵. چالش‌های مهارتی کتابداران در قصه‌گویی و جلب توجه کودکان

از آنجاکه قصه‌گویی نیازمند مهارت‌هایی چون فن بیان، استفاده از زبان بدن، مدیریت هیجان و ایجاد تعامل با کودکان است. ممکن است برخی از کتابداران، به‌ویژه افراد تازه‌کار، در این زمینه آموزش کافی ندیده باشند و همین موضوع موجب می‌شود در

جلب‌توجه کودکان و حفظ تمرکز آنان با مشکل مواجه شوند. از سوی دیگر، تفاوت در ویژگی‌های شخصیتی و سطح توجه کودکان ایجاب می‌کند که قصه‌گو توانایی انعطاف و به‌کارگیری روش‌های متنوع برای ایجاد ارتباط مؤثر با مخاطب خردسال را داشته باشد. فقدان این مهارت‌ها گاهی باعث می‌شود جلسه‌ی قصه‌گویی به‌جای تجربه‌ای لذت‌بخش، برای کودک یکنواخت یا خسته‌کننده جلوه کند.

راهکار:

آموزش مستمر مربیان و کتابداران و تشکیل جلسات هم‌اندیشی میان آنان می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفیت برنامه‌های قصه‌گویی داشته باشد. این فرایند، زمینه‌ای تبادل تجربه بین کتابداران و انتقال روش‌های موفق را فراهم می‌کند و به‌ویژه برای کتابداران تازه‌کار فرصتی ارزشمند در یادگیری مهارت‌های عملی خواهد بود.

۶. چالش ناآگاهی والدین از نقش قصه‌گویی و مطالعه در رشد فردی اجتماعی کودکان و بی‌توجهی به نقش الگویی خود در ایجاد علاقه‌مندی به خواندن در آنان.

راهکار:

ایجاد تعامل سازنده میان کتابداران و والدین می‌تواند زمینه‌ای تشخیص بهتر نیازهای کودکان و تبادل آگاهی درباره مسائل رشد، یادگیری و رفتار آنان را فراهم آورد.

برگزاری کارگاه‌های کوتاه یا تهیه‌ی بروشورهای آموزشی برای والدین تا بااهمیت قصه‌گویی و شیوه‌ی ادامه‌ی آن در خانه آشنا شوند.

ترویج نقش الگویی والدین در مطالعه؛ بدین معنا که والدین با خواندن کتاب در حضور فرزندان یا همراهی با آن‌ها در زمان مطالعه، علاقه و انگیزه‌ی کودکان برای کتاب‌خوانی را تقویت کنند.

معرفی کتاب‌های پیشنهادی خانوادگی «مجموعه‌هایی از قصه و داستان» برای امانت گرفتن و مطالعه در خانه.

آگاهی از چالش‌ها و موانع قصه‌گویی، مربیان و کتابداران را توانمند می‌سازد تا با خلاقیت، تدابیر و برنامه‌ریزی دقیق‌تر، فضای قصه‌گویی را پربارتر کرده و کودکان را در مسیری لذت‌بخش و آموزنده همراهی نمایند.

نتیجه‌گیری

قصه‌گویی پلی میان گذشته، حال و آینده‌ی انسان‌هاست؛ پلی که در محیط‌های آموزشی و کتابخانه‌ای می‌تواند روشن‌تر و مؤثرتر از همیشه ایفای نقش کند. این مقاله باهدف تبیین نقش و اهمیت قصه‌گویی کودک‌محور، مفاهیمی چون تعریف و تمایز قصه و داستان، کارکردهای تربیتی و ارتباطی قصه‌گویی، اصول و فنون اجرایی آن، ویژگی‌های قصه‌گوی موفق و چالش‌های پیش‌روی مربیان و کتابداران در اجرای این برنامه‌ها را موردبررسی قرارداد. یافته‌ها نشان می‌دهد که قصه‌گویی، نه صرفاً یک فعالیت سرگرم‌کننده، بلکه ابزاری آموزشی، فرهنگی و تربیتی است که در صورت به‌کارگیری آگاهانه و خلاقانه، می‌تواند در پرورش نسلی کنجکاو، فعال، کتاب‌خوان و متفکر نقشی اساسی ایفا کند. امید است مربیان و کتابداران با تکیه بر توانمندی‌های خود، از ظرفیت‌های این هنر بهره‌مند شوند و محیط‌های آموزشی و کتابخانه‌ها را به فضایی زنده، الهام‌بخش و مؤثر در رشد فکری، عاطفی و اجتماعی کودکان تبدیل کنند.

منابع

- اربابی، محسن و باهورزمی، الهام (۱۴۰۳). نقش برنامه‌های قصه‌گویی در کتابخانه و علاقه‌مندی به خواندن در مدارس ابتدایی، مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و اجتماعی و حقوق تسالونیک، یونان.
- باقریان، حدیث؛ زارع، امین گل محمدیان، محسن (۱۳۹۹). تأثیر قصه‌خوانی بر ارتقای حس نوع‌دوستی پسران ۷ تا ۱۲ ساله: مطالعه موردی پسران دانش‌آموز دبستانی شهر کرمانشاه. تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۲۶(۳)، ۴۹۹-۵۲۰.
- باقریان، حدیث؛ زارع، امین و جعفری، افسانه (۱۴۰۰). قصه‌ها پلی از خیال تا واقعیت: گریزی به نقش کتابداران با استفاده از قصه‌ها در آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان و نوجوانان. فصلنامه راهبردهای نو در روانشناسی و علوم تربیتی، یازدهم، شماره سوم.
- چمبرز، دیویی (۱۳۸۵). قصه‌گویی و نمایش خلاق. ترجمه ثریا قزل ایاق، چاپ هفتم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حریری، نجلا و پاگردکار، یاسمن (۱۳۹۵). تأثیر قصه‌گویی در کتابخانه‌های عمومی بر افزایش خلاقیت کودکان پیش‌دستانی، تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۲۲(۲)، ۲۱۲-۱۹۵.
- زاپیس، جک (۱۳۸۰). هنر قصه‌گویی خلاق، ترجمه مینو پرنیانی، تهران، انتشارات رشد.
- شمالی احمدآبادی، مهدی؛ تقدیری اردکان، اشرف و برخوردار احمدآبادی، عاطفه (۱۳۹۸). آسیب شناسی. همایش ملی روانشناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشگاه محقق اردبیلی.
- صفری، مهدی و صیادی زاده، کبری (۱۳۹۷). بررسی شیوه‌های قصه و قصه‌گویی در ایران. فصلنامه اورمزد، ۲(۴۳)، ۱-۱۰.
- قزل ایاق، ثریا (۱۳۸۳). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن: مواد و خدمات کتابخانه‌ای برای کودکان و نوجوانان، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، سمت.
- مونته رو، باتریس (۱۴۰۱). رازهای قصه‌گویی: راهنمای قصه‌گویی برای بچه‌ها و بزرگ‌ترها، ترجمه فرزانه فخریان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- Agesto, D. E. (2016). Why Storytelling Matters: Unveiling the literacy benefits of storytelling. Children and Libraries: The journal of the Association for Library Service to children, 14(2), 21_26.
- Bartlett, J. A. (2011). A natural fit: Organizational storytelling in the library. Library Faculty and Staff Publications, 1(2). 1-10.
- Diamant-Cohen, B., & Sensale Yazdian, L. M. (2021). Paley's practice: Storytelling, story acting and early learning. Children and Libraries, 19(1), 29-34. <https://doi.org/10.5860/cal.19.1.29>
- Karzen, M., & Demonja, D. (2020). Importance of storytelling: How to create more resilient cultural heritage, Information, 53(3-4), 226-235. <https://doi.org/10.5860/cal.19.1.29>